

ایران‌شناسی در غرب

حشمت مؤید

ویس ورامین*

جلد سوم: متن، ۲۳۸ صفحه

جلد دوم: واژه‌نامه، ۲۸۶ صفحه

جلد یکم: فرهنگ بسامدی

به کوشش امیکو اوکادا (؟)

چاپ دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، ۱۹۹۱

خبر چاپ این کتاب را سالها پیش شادروان دکتر محمد جعفر محبوب به من نوشت و مایل بود که در ایران‌شناسی آن را بررسی کنم. دو سالی طول کشید تا به لطف یکی از دوستانم نسخه‌ای از این کتاب به دستم رسید. در آن وقت نه مجال این کار را داشتم و نه دیگر دکتر محبوب از آن یادی کرد. حال که فرصتی دست داده و این یادداشت فراهم آمده است متأسفم که آن دانشمند خوش سخن دیگر در میان ما نیست، و شاید همین بهتر که تا او زنده بود کسی به دقت در این کار نظر نکرد، یا شاید خود وی آن را مرور کرده و نپسندیده بود و از این رو دیگر حرف آن را به میان نیاورد.

مقدمه بگویم که این چاپ ژاپن در سه مجلد است. متن شعر گرگانی جلد سوم است. بنده نفهمیدم چرا جلد یکم نیست، چون هم زمان با آن دو جلد دیگر که در زیر نقد آن را می‌خوانید، یعنی در ۱۹۹۱ منتشر شده است، و چون واژه‌نامه و فرهنگ بسامدی همین متن است طبعاً تا متن چاپ نشده باشد آن دو جلد دیگر نمی‌تواند تدوین یافته باشد. به هر

حال، این متن در ۲۳۸ صفحه و هر صفحه دارای ۳۸ بیت، جمعاً در حدود ۹۰۰۰ بیت است که بسیار پاکیزه و با تفکیک دقیق واژه‌ها از یکدیگر چاپ شده، یعنی صنعت چاپ کار خود را خوب انجام داده است. متن کتاب به ۱۰۵ بند تقسیم شده، یعنی همان تقسیم بندی ویس و رامین چاپ مرحوم مینوی که گویا چاپ مرحوم محجوب هم بر اساس همان تهیه شده است. این بندها، برخلاف چاپهای مینوی و محجوب هیچ کدام عنوان ندارد یعنی ویراستار معلوم نیست بر پایه چه حکمت و مصلحتی همه عنوانها را حذف کرده است و چون کتاب هیچ گونه فهرست مطالب هم ندارد خواننده نا آشنا نمی تواند موضوع و مطلب خاصی را که ممکن است در جستجوی آن باشد، به آسانی پیدا کند. بنده مطلقاً مطمئن نیستم که در چاپ محجوب هم هر بند کتاب عنوانی داشت و عنوانها موافق با چاپ مینوی بود یا خیر، چون نسخه چاپ محجوب متعلق به کتابخانه دانشگاه شیکاگو، گویا به سعی و کوشش یکی از استادان یا دانشجویان نا پدید شده است. آخرین چاپ ویس و رامین از سوی بنیاد فرهنگ ایران در ۱۳۴۹ که به کوشش الکساندر گواخاریا و ماگالی تودوا منتشر شده، دارای ۱۱۳ بند عنوان دار است. ابتکار پسندیده ای که ویراستار چاپ ژاپن اختیار کرده، این است که در کنار هر بیت از آغاز تا انجام، شماره بند و بیت را قید نموده است که از 001-001 یعنی بند یکم - بیت یکم آغاز و با 105-138 یعنی بند یک صد و پنجم - بیست یک صد و سی و هشتم پایان می یابد.

اما مجلد دوم که واژه نامه یا کشف الایات ویس و رامین است، در ۲۸۶ صفحه است که در آن طبق معمول، واژه‌ها را به ترتیب الفبا و با قید شماره های تمام ایات حاوی هر یک قید کرده اند، ولی بدون معنی کردن واژه‌ها. به هر حال همین کشف الایات، اگرچه فقط به درد خوانندگان و دانندگان زبان فارسی می خورد، باز کاری سودمند است و از روی آن می توان دید که مثلاً «بنفشستان» یک بار در 003-093 و «زعفران» ۹ بار در فلان بیتها آمده است.

جلد یکم، که در واقع باید جلد سوم شمرده شود، نوعی فرهنگ بسامدی واژه های ویس و رامین است و خود به دو بخش تقسیم شده است. در بخش یکم واژه‌ها را با قید شمار استعمال هر یک ضبط کرده اند که با «آب ۱۷۳» (یعنی ۱۷۳ بار) شروع و با «یوسف ۱» (یعنی یک بار) تمام می شود. در بخش دوم ترتیب واژه‌ها تابع میزان کاربرد آنهاست و با حرف «و» که ۳۵۵۳ بار به کار رفته شروع می شود و با همان «یوسف» که مانند ۴۸۷۹ واژه دیگر فقط در یک بیت هست به پایان می رسد.

تا این جا به ظاهر عیب و علتی جز حذف عنوان بندها و معنی نکردن واژه ها و نداشتن هیچ گونه فهرست در این آخرین چاپ ویس و رامین دیده نمی شود. اما وقتی شروع به استفاده از آن، مخصوصاً در تدریس به شاگردان بکنید و ناچار نیک بنگرید، متوجه می شوید که در زیر این ظاهر آراسته متنی نه مغلوط، ولی مغشوش و افشاگر از نهایت بی دقتی، آشکار می شود. به نظر می رسد که ویراستار محترم این کتاب کار را به دست کسی سپرده که سوادش در فارسی اندک و تسلطش بر دستگاه کامپیوتر خیلی بیشتر بوده است. به هر حال کسی که این متن را از روی چاپ محبوب یا مینوی به کامپیوتر وارد کرده است، زبان فارسی را شاید در مکتبی آموخته است از نوع مکتب آن استاد ایران شناس امریکایی که اعلان می کند فارسی را به شاگرد مبتدی در ظرف دو هفته - بله فقط دو هفته - آن چنان تعلیم می دهد که او بتواند بلافاصله شروع به خواندن مثنوی رومی بکند.

نقد این ویرایش را ناچار باید از جلد سوم که متن ویس و رامین باشد آغاز کنیم چون هر عیبی که در دو جلد دیگر هست ریشه آن در متن است و از متن به مدد کامپیوتر امین بیگناه عیناً به آن دو جلد دیگر منتقل شده است. کسی که به متن چاپی مینوی یا محبوب نگاه می کرده و آن را با فشردن دگمه های الفبا به سینه کامپیوتر سپرده است، خود از قراءت درست واژه ها، به ویژه واژه های مرکب و کمیاب، عاجز بوده و در نتیجه مرتکب اشتباهاتی فراوان شده است و بعد که برای تهیه واژه نامه و فرهنگ بسامدی به دستگاه کامپیوتر مراجعه کرده، کامپیوتر با امانت مطلق و بی چند و چون خود تمام آن خطاها را به ویراستار تحویل داده است و او در این مرحله نیز یا دقت نکرده و همه آنها را در آن دو جلد عیناً درج کرده است.

این غلطها چندین نوع است و من می گویم هر نوع را با چندین نمونه نشان بدهم.

۱- واژه های مرکب که اجزای آن جدا از هم چاپ شده است و با فاصله ای چشمگیر که احتمال پیوند آنها را زائل می سازد، در حالی که می بایست به صورت یک کلمه و متصل به یکدیگر ضبط گردد.

029 - 041 خر گوش (خرگوش)

034 - 021 خسته دل (خسته دل)

042 - 186 آهر من (اهرم)

047 - 073 سزو دو (سرود و)

049 - 066 سمندور خش (سمند و رخس)

059 - 022 شاد خواری (شادخواری)

- 589 - 059 رسن باز (رسن باز)
- 024 - 059 لاله زارش (لاله زارش)
- 073 - 060 جزاهر من (جزاهر من)
- ۲- چند نمونه از موارد بسیار که، برعکس نمونه های بالا، اجزاء واژه های مختلف به یکدیگر پیوند خورده و ترکیب ناموزون و ناشناخته دیگری ساخته اند:
- 013 - 029 باثور (با ثور)
- 035 - 047 وکرد (و کرد)
- 075 - 042 با دوارون (.. باد و ارون)
- 203 - 042 سرجان (بدان سر جان را...)
- 218 - 042 بازایش (با زایش)
- 097 - 042 پایدامت (پای دامت)
- 032 - 057 راجان (اورا جان)
- 038 - 064 بدزداری (به دزد اری)
- 027 - 088 توراز (تو راز)
- 040 - 090 ماعنان (ما عنان)
- 025 - 092 بردشیر (برد شیر)
- 011 - 102 توشایی (تو شایی)

البته ممکن است خواننده این مقاله یا ویراستار خود اعتراض کنند که مگر در چاپهای فارسی همیشه حروف و کلمات جدا از هم و با فاصله ای روشن که مانع خلط و اشتباه گردد چاپ می شده است؟ چرا باید همه آنها را مقبول و عادی دانست و انگشت روی این یک مورد گذاشت و زحمات ویراستار و ناشر را پامال توقعات بیجا کرد. پاسخ این است که ناشران و ویراستاران آن کتابها در قدیم متون را درست می خوانده اند، ولی بر طبق سنت خطاطی که قرنها به آن خو گرفته بودند، در کتابت، واژه ها را از هم تفکیک نمی کردند. با وجود این می دانستند که «دوارون» و «وکرد» و «جزاهر» و «ورید» و «ماندا پدر» و «باشدمست» و «بادو» و «توا» و «توزه» و «فردامیندیش» و «زاخیر» و «وریگ» و «خش» و «وگرد» و «گیاو» و «آهر» و «اودوسه» و «بادشتابان» و «پیرشتی» و «وزونه» و «وفازان» و «ووشی» و «نخاصه» و «یاردمر» و دهها مفردات پوچ و ناهنجار دیگر از همین دست در زبان فارسی وجود ندارد. اما کسی یا کسانی که واژه نامه و فرهنگ بسامدی ویس و رامین مورد گفتگورا بر اساس متن چاپی یعنی مجلد سوم آماده کرده و

به دستگاه چاپ سپرده اند، از این دانش فارسی‌شناسی مطلقاً بی بهره بوده اند و این مفردات مجعول را به عنوان واژه‌هایی مستقل در آن دو فهرست جا داده و منتشر نموده اند.

۳- زبان دیگر ناشی از همین فارسی‌اندانیِ مباشران طبع حاضر این است که چون کورکورانه واحدهای زبانی را دیده (!) و نمی‌دانسته اند که برخی از آنها در حقیقت نمایندهٔ واژه‌های متفاوت و معانی متفاوت هستند، همه را در زیر یک مدخل جا داده اند. مثلاً «باز» که دست کم به همین صورت حامل چندین معنی است: ۱- ضد بسته، ۲- بار دیگر، ۳- میشوند افعالی چون باز آمدن، بازگشتن، بازخواستن، ۴- مخفف صفت فاعلی «بازنده» در واژه‌های مرکب مانند: رسن باز، جملگی به غلط در زیر یک مدخل آمده اند و نتیجه این شده است که نه فرهنگ بسامدی کتاب شایستهٔ اعتماد است نه واژه‌نامهٔ آن. چرا که مثلاً «رسن باز» در هیچ یک ضبط نشده است و رقم مربوط به «باز» هم حتماً با آنچه در فرهنگ بسامدی دیده می‌شود اختلافی فاحش وجود دارد.

۴- نکتهٔ دیگر این که اگر در متن اصلی که مأخذ چاپ حاضر باشد، گاهی واژه‌ای یکی دو بار با علامت تشدید یا کسرهٔ اضافه یا احیاناً اعرابی دیگر برای تسهیل کار خوانندهٔ ناآشنا چاپ شده بوده است، و در این چاپ ژاپونی هم آن شده و کسره یا فتحه و ضمه دیگر محفوظ مانده است، این واحدهای اعراب دار هر یک به عنوان واژه‌ای مستقل در فرهنگ بسامدی و واژه‌نامه ضبط شده است. مثلاً شروع فرهنگ بسامدی با واژهٔ «آب» است با رقم ۱۷۳؛ واژهٔ دوم هم «آب» با کسرهٔ اضافه و رقم یک در برابر آن.

۵- این نابه سامانی در مورد افعال بسیار فراوان تر است زیرا به جای آن که فقط مصدر یک فعل را بیاورند و همه مشتقات آن را، یعنی زمانهای ماضی و حال و آینده، و اشخاص مفرد و جمع و حاضر و مخاطب و غایب، و وجوه اخباری و التزامی و امر و نهی همه را در ذیل یک رقم بیاورند، (همان روش درستی که محمد نوری عثمان در واژه‌نامهٔ بس آمدی عنصری، مسکو ۱۹۷۰ ب. کار بسته)، هر کدام را جداگانه ضبط کرده اند، حتی افعال منفی را مانند نگفت، نگفتا... و نیز افعال مصدر به «ب» تأکید را از قبیل بگفت، بگفتا... به عنوان مدخلی مستقل به حساب آورده اند. اسمها و صفات مشتق از مصدر نیز مانند «گفتار» نیز البته جداگانه فهرست شده اند. ولی شباهت دو کلمه یا به عبارت دیگر جناس تام از نظر فرهنگ نویسی دور مانده و در نتیجه «گفتی» فقط یک بار ضبط شده خواه به معنی ماضی دوم شخص مفرد و یا برای بیان شک و تردید (= پنداری). واژهٔ «گرد» بدون اعراب ۵ بار به کار رفته که معلوم نیست چند بار گرد است، چند بار گرد، و چند بار گرد. «زین» ۱۷۵ بار آمده است و خدا می‌داند که چند بار به معنی آنچه بر پشت اسب می‌نهند

است و چند بار «از این».

۶- عیبهای مربوط به کیفیت تدوین و ضبط واژه‌ها متعدد و گوناگون است و برشمردن همه آنها در این یادداشت زائد به نظر می‌رسد. چند نمونه را قید می‌کنم.

یکی از فواید چنین واژه‌نامه‌هایی باید این باشد که نشان دهد که مثلاً فلان واژه‌های مرکب از چه تاریخی و در کدام یک از متون به کار رفته است. از واژه‌نامه این کتاب چنین توقعی بیپسوده است، چون معیار مکانیکی تدوین آن صرفاً ظاهر پیوسته یا گسسته اجزای این واژه‌ها در نسخه اصلی بوده است، از این رو، چنان که قبلاً گذشت، «خسته دل» و «دلخسته»، که هر کدام یک واحد است گاهی ضبط شده و گاهی ضبط نشده است. «دادگر» که یک واژه مرکب است، فقط یک بار (015-038) آمده و خدا می‌داند چند بار دیگر اجزای آن در ذیل «داد» و «گر» ضبط شده است (از جمله 027-004). و تازه معلوم نیست از ۱۹۲ بار «داد» (بر طبق فهرست بسامدی و واژه‌نامه) چند بار به معنای «عدل» است و چند بار ماضی سوم شخص مفرد از فعل دادن (بنده ۲۷ بند اول را امتحان کردم: ده بار به معنای عدل بود و ۲۶ بار ماضی فعل دادن). بنده تصادفاً در متن شعر چشم به «بایران» افتاد، در فهرست و واژه‌نامه دیدم که دو بار «بایران» ضبط کرده‌اند و ۱۵-۱۶ بار «ایران»، یعنی ایران حداقل ۱۷-۱۸ بار آمده‌اند ۱۵-۱۶ بار.

۷- نمونه دیگری بی‌اعتباری کتاب حاضر را در مورد حرف اضافه «ب» یا «به» می‌توان دید. مؤلف فهرست می‌بایست بداند که این حرف به هر صورت که نوشته شود، خواه پیوسته خواه جدا، نماینده یک واحد زبانی است و مجموع آن باید یک بار در زیر یکی از دو صورت مذکور قید شود. اما مؤلف این فهرستها تنها صورت «به» را قید کرده و خدا می‌داند چند صد بار دیگر را، که «ب» پیوسته به اسم یا صفت یا ضمیر و جز آن چاپ شده، از قلم انداخته است.

۸- عیب دیگر پیوستن بیجای شماری از واژه‌ها در متن شعر و به تبع آن قید جداگانه این پیوندهای مجعول در فهرستهاست: چشمکانست، چنانکش، دشواربابی (دقت فرماید که «بابی» در این ترکیب فعل دوم شخص مفرد است، یعنی دشوار پیدا می‌کنی) و قاعده می‌بایست در زیر فعل یافتن بیاید). ناگفته نماند که غلطهای چاپی نیز در این سه جلد کم نیست.

این رشته سر دراز دارد. از همین نمونه‌ها آشفتگی شگفت آور حاکم بر این متن و مخصوصاً دو جلد واژه‌نامه‌های آن باید روشن شده باشد. شاید دستگاه یا دانشمندی که مسئول ویراستاری و چاپ این سه جلد بوده است تاکنون متوجه ضعف کار و بی‌ارزشی

کتاب شده باشد. نمی دانم آیا در مجله های ژاپنی یا زبانهای غربی کسی به کار حلاجی این کتاب پرداخته است یا ترجیح داده اند آن را مسکوت گذارند. لاقلاً در مجله های فارسی بنده هیچ کجا نقد آن را ندیدم.

گفتار را به این مطلب ختم می کنم که آخرین چاپ ویس و رامین به همت دو دانشمند گرجی ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا که قبلاً از آن یاد کردم، صحیح ترین و علمی ترین متن ویراسته و قابل اعتماد این شعر زیبای فارسی ست. ای کاش ایران شناسان ژاپن که آوازه دقت و نازک بینی شان به همه جا رسیده، چاپ مزبور را اساس کار خود قرار داده و علاوه بر آن از همکاری یک فارسی دان مجرب و ورزیده بهره مند شده بودند.

بخش زبانها و تمدنهای خاور نزدیک، دانشگاه شیکاگو

* چند سال پیش مؤلف محترم دو نسخه کتاب مورد بحث را برای بنده فرستادند. یک نسخه آن را برای شادروان محمد جعفر محبوب فرستادم که علاقه مند بود درباره آن مقاله ای بنویسد. اما مقدمه کتاب به زبان ژاپنی بود. پس از من خواست از خانم اوکادا تقاضا کنم در صورت امکان ترجمه انگلیسی مقدمه کتاب را برای این بنده بفرستند تا آن را در اختیار وی قرار بدهم. این تقاضا مورد قبول مؤلف قرار گرفت و پس از مدتی ترجمه انگلیسی مقاله را از ژاپن برایم فرستادند که آن در همان موقع برای استاد محبوب فرستادم، به امید آن که مقاله مورد نظر را بنویسد. ولی این کار انجام پذیرفت. محبوب بیمار شد و به جهان باقی شتافت.

اینک امید است اصلاحات پیشنهادی در این مقاله، زیر نظر مؤلف در کامپیوتر وارد شود تا نسخه ای از هر جهت متع و کامل به علاقه مندان عرضه گردد. جلال مینبی

فریدون وهمن

Matadkan I hazar datastan
The Book of A Thousand Judgements
 Anahit Perikhanian
 tr. Nina Garosian
 Persian Heritage Series 39
 Mazda Publishers, 1997

مادیان هزار دادستان
 کتاب هزار دآوری
 به کوشش آناهید پریخانیان
 ترجمه نینا گروسیان
 مجموعه میراث ایران
 انتشارات مزدا، کالیفرنیا، ۱۹۹۷

مادیان هزار دادستان یا کتاب هزار دآوری یک اثر حقوقی به زبان پهلوی ست که اینک پس از سالها انتظار ترجمه انگلیسی آن همراه با فرهنگ لغات و فهرستها و کتابنامه در مجموعه میراث ایران منتشر شده است.

پروفسور پریخانیان استاد برجسته زبانهای ایرانی در دانشگاه سنت پترزبورگ ترجمه